

## دسته‌بندی معنایی ساخت شرطی در زبان فارسی

آزاده میرزائی\*

استادیار زبانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۹)

### چکیده

ساخت شرطی از دو بند تشکیل شده است. وجود یا عدم وجود رابطه علی/نتیجه‌ای میان بندها، سبب می‌شود تا ساخت شرطی در دو گروه کلی شرطی نتیجه‌ای و غیرنتیجه‌ای تقسیم‌بندی شود. در پیشینه مطالعات مفهوم شرط، با توجه به معیارهای گوناگون می‌توان به لحاظ معنایی، انواعی از ساخت‌های شرطی را معرفی کرد که بعضاً به جهت نام‌گذاری‌های مختلف بر روی مفاهیم یکسان، از هم متفاوت شده‌اند. در این پژوهش، پس از مروری بر مطالعات نظری پیشین، تلاش می‌شود تا با توجه به نقاط اشتراک و اختلاف دسته‌بندی‌های ذکر شده و بر اساس پژوهشی پیکره‌بنیاد در زبان فارسی، دسته‌بندی جامعی ارائه شود که انواع مختلف ساخت‌های شرطی را به لحاظ معنایی پوشش دهد. در این راستا علاوه بر جملات شرطی باز، فرضی، مفروض، لفظی، کارگفتی و تضمینی، که در سابقه پژوهش مفهوم شرط موجود است، ساخت‌های شرطی تقابلی، شرطی تقابلی ضمنی، شرطی معکوس و شرطی دوسویه نیز با توجه به پژوهش داده‌بنیاد، معرفی می‌شوند. در شرطی‌های تقابلی، روابط میان بندها از نوع تضاد است. در شرطی تقابلی ضمنی رابطه تضاد میان یکی از بندها با معنای ضمنی بند دیگر است. در شرطی معکوس، برخلاف شرطی بنیادی، بند «اگر» نتیجه بند دوم است و در شرطی دوسویه هر یک از بندهای حاضر در ساخت شرطی می‌توانند نتیجه آن دیگری باشد.

**کلیدواژه‌ها:** جمله شرطی، شرط بنیادی، شرط کارگفتی، رابطه علی/نتیجه‌ای، زبان فارسی.

---

\* E-mail: mirzaei.azade@gmail.com

## ۱. مقدمه

ساخت شرطی از دو بند تشکیل شده است؛ یکی بند شرطی و دیگر بند اصلی که به آن نتیجه شرط یا تالی هم می‌گویند. بر اساس اینکه میان این دو بند، رابطه علی یا نتیجه‌ای وجود داشته باشد یا نه، می‌توان جملات شرطی را به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول شرط بنیادی است که میان دو بند آن رابطه علی وجود دارد و صدق بند تالی در گروه صدق بند شرط است؛ مانند «اگر زود بیایی، به کلاس می‌رسی». این ساخت در پژوهش‌ها با نام‌های متفاوت شرط نتیجه‌ای<sup>۱</sup>، شرط مستقیم یا شرط اخباری نرمال<sup>۲</sup> مطرح شده است. در گروه دوم، میان بند مقدم و تالی هیچ رابطه علی‌ای وجود ندارد و بند تالی می‌تواند مستقل از بند شرط صادق باشد؛ مانند «اگر سردت شد، پتو داخل کمد است». در پیشینه بررسی جملات شرطی، گروه دوم را با نام‌های شرطی کارگفتی<sup>۳</sup>، شرط تناسب<sup>۴</sup> یا شرطی بیسکوئیت<sup>۵</sup> معرفی کرده‌اند.

بررسی پیشینه مطالعات ساخت شرطی نشان می‌دهد که زبان‌شناسان مختلف با نامگذاری‌های متفاوت، مفاهیم کم‌وبیش یکسانی را مطرح کرده‌اند. دان‌سینگر و مایودوشسکا<sup>۶</sup> (1984: 122) بندهای شرطی را به دو گروه شرطی نتیجه‌ای و غیرنتیجه‌ای<sup>۷</sup> تقسیم کرده‌اند. چنانکه گفته شد، در شرطی نتیجه‌ای بین بند شرط

1. consequential
2. normal indicative conditional
3. speech act conditional
4. relevance conditional
5. biscuit conditional

در بیان این نوع ساخت شرطی، آستین (1961) این مثال را مطرح می‌کند که «اگر گرسنه هستی، کمی بیسکوئیت روی میز است». همین مسئله سبب شده تا این نوع ساخت را با نام شرطی بیسکوئیت معرفی کنند.

6. B. Dancyngier and E. Mioduszevska
7. non-consequential

و بند نتیجه، رابطه علی - معلولی وجود دارد و بند نتیجه توسط بند شرط مشروط می‌شود، اما در شرطی غیرنتیجه‌ای، یا بین دو بند حاضر در ساخت شرطی رابطه علی / نتیجه‌ای وجود ندارد، یا اگر دارد، این رابطه برعکس است؛ یعنی برخلاف شرط بنیادی که در آن بند شرط دلیل وقوع گزاره مطرح در بند نتیجه است، در اینجا، بند نتیجه دلیل وقوع گزاره مطرح در بند شرط است. آنها در بررسی مفهوم شرط میان سه معنای حقیقی<sup>۱</sup>، نظری<sup>۲</sup> و فرضی<sup>۳</sup> تمایز قائل شده و این سه معنا را در ارتباط با ساخت شرطی مورد بررسی قرار داده‌اند.

کِرک<sup>۴</sup> و همکاران (1985) ساخت شرطی را به دو دسته شرطی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرده‌اند. در شرطی مستقیم، بند دوم به بند شرط وابسته است و میان آنها رابطه علی وجود دارد، اما در شرطی غیرمستقیم، رابطه علی - معلولی مستقیمی بین بند اول و دوم وجود ندارد و بند شرط، شرایطی را به دست می‌دهد که بند دوم بر اساس آن می‌تواند به‌جا و مطرح باشد. علاوه بر این، کِرک و همکاران از نوع سوم از جملات شرطی، تحت‌عنوان شرط لفظی<sup>۵</sup> یاد کرده‌اند. این ساخت، نوعی بازی زبانی است و خود به دو گروه تقسیم می‌شود. در نوع اول، گزاره مطرح در بند پایه به حدی عجیب یا نامعقول است که سبب می‌شود، گزاره مطرح در بند شرطی نیز غلط باشد و در نوع دوم، گزاره مطرح در بند شرطی آنقدر بدیهی است که به سبب آن گزاره مطرح در بند پایه نیز بدیهی فرض می‌شود.

- 
1. factual meaning
  2. theoretical meaning
  3. hypothetical meaning
  4. R.Quirk
  5. rhetorical

## جدول (۱): دسته‌بندی ساخت شرطی از نظر کِرک و همکاران (۱۹۸۵)

شرط باز	مستقیم	ساخت شرطی
شرط فرضی		
شرط رعایت ادب	غیرمستقیم	
شرط تردید در صحت کلام		
شرط تردید در دانش غیرزبانی		
شرط تناسب		
شرط مقدم‌محور	لفظی	
شرط تالی‌محور		

بت و پانچوا<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) جملات شرطی را به سه گروه شرط فرضی<sup>۲</sup>، شرط مفروض<sup>۳</sup> و شرط تناسب تقسیم می‌کنند. در شرطی مفروض، «بند اگر»، نظر شخصی به جز گوینده را مطرح می‌کند که از سوی شنونده مفروض دانسته شده است؛ مثلاً «اگر آنطور که می‌گویی دیر شده، آنگاه...».

تامپسون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۷: ۲۵۵-۲۵۶) ساخت شرطی را بر اساس امکان وقوع آن، در دو گروه کلی شرط واقعی<sup>۵</sup> و غیرواقعی<sup>۶</sup> بررسی می‌کنند. شرط واقعی خود به سه گروه شرط واقعی حال، معمول<sup>۷</sup> و گذشته تقسیم می‌شود و شرطی‌های

1. R. Bhatt and R. Pancheva

2. hypothetical conditional

3. factual conditional

انتخاب معادل «مفروض» برای factual، با توجه به تعریف این نوع ساخت در نظر گرفته شده است.

4. Thompson

5. reality conditional

6. unreality conditionals

7. habitual

غیرواقعی در دو گروه تخیلی<sup>۱</sup> و پیش‌بین<sup>۲</sup> دسته‌بندی می‌شوند. شرطی‌های تخیلی به رخدادهایی اشاره می‌کنند که در زمان حاضر، به هیچ عنوان امکان وقوع ندارند و به دو گروه ممکن (فرضی<sup>۳</sup>) و ناممکن (خلاف واقع<sup>۴</sup>) تقسیم می‌شوند. شرط پیش‌بین موقعیتی فرضی به دست می‌دهد و دلالت بر آن دارد که اگر شرایط مطرح در بند شرط رخ دهد، چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود.

جدول (۲): انواع ساخت شرطی از نظر تامپسون و همکاران (2007: 255-256)

	۱. حال	واقعی	ساخت شرطی
	۲. معمول		
	۳. گذشته		
الف. ممکن	۱. تخیلی	غیرواقعی	
ب. ناممکن	۲. پیش‌بین		

ایبرت<sup>۵</sup> و همکاران (2008) ساخت شرطی را در دو گروه مورد بررسی قرار می‌دهند، آنها گروه اول را شرطی اخباری نرمال و دیگری را شرطی بیسکوئیت

1. imaginative

2. predictive

3. hypothetical

لازم به توضیح است که تامپسون و همکاران شرط تخیلی را به دویخس hypothetical و counterfactual

تقسیم می‌کنند. در این پژوهش از آنجا که سرعنوان بخش ۱-۲-۱-۲. فرضی است (معادلی برای hypothetical

در تقسیم‌بندی کرک و همکاران)، برای پرهیز از همسانی در معادل‌گزینی، معادل «ممکن» به عنوان معادلی برای

hypothetical در تقسیم‌بندی تامپسون و همکاران در نظر گرفته شده است و این عنوان با توجه به معنایی که

به آن اشاره می‌کند انتخاب شده است.

4. counterfactual

5. C. Ebert

می‌نامند. همانطور که پیشتر گفته شد در شرطی اخباری نرمال، صدق بند نتیجه به صدق بند شرط وابسته است و در شرطی بیسکوئیت، رابطه علی میان دو بند حاضر در ساخت شرطی برقرار نیست.

فون فینتل<sup>۱</sup> (2011) در بررسی انواع شرط، چهار گروه از ساخت‌های شرطی را از هم متمایز می‌کند: (۱) شرط کاربردی/بیسکوئیت، (۲) شرط مفروض یا به اعتبار هگمن (2003) شرط پیش‌فرض<sup>۲</sup>، (۳) شرط اخباری و (۴) شرط التزامی. تفاوت شرط اخباری و التزامی در امکان صادق بودن بند شرط است.

در زبان فارسی و در بررسی معنایی ساخت شرطی، می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد: میرزائی (۱۳۹۲) ضمن بررسی توزیع اطلاع در بندهای مرکب زبان فارسی و از جمله آنها در بندهای شرطی، به معرفی دو ساخت شرطی تحت عناوین شرطی تقابلی و شرطی تقابلی ضمنی پرداخته است. این دو ساخت که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند، کارکرد ساخت شرطی بنیادی را ندارند. ابن‌الرسول و همکاران (۱۳۹۵)، در بررسی جملات شرطی به نوعی رابطه تلازمی اشاره می‌کنند که اساس ارتباط معنایی بندهای پایه و پیرو در ساخت شرطی است و بیان می‌دارند که این رابطه معنایی، خود به دو گونه تلازمی سببی و تلازمی غیر سببی تقسیم می‌شود. در تلازمی سببی رابطه بند پایه و پیرو بر پایه سببیت است، اما در تلازمی غیر سببی رابطه از نوع پیامدی است؛ مثلاً در جمله «اگر وعده دهد، وفا می‌کند»، جواب در پی شرط محقق می‌شود و نه به سبب آن. بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۷) بر اساس رویکرد رده‌شناختی دکلرک و رید<sup>۳</sup> (2001) مفهوم

---

1. K. Von Fintle  
2. premise conditional  
3. R. Declerck & S. Reed

شرط را در فارسی نو بررسی کرده‌اند و معتقدند که بر اساس این رویکرد، جهان ممکن بند شرط به دو دسته حقیقی و نظری تقسیم می‌شود، جهان ممکن نظری می‌تواند خنثی یا غیرخنثی باشد و غیرخنثی، به چهار نوع بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی تقسیم می‌شود. آنها در بررسی خود به این نتیجه می‌رسند که کاربرد ساخت شرطی در قرون متقدم نسبت به قرون متأخر بیشتر بوده است و از نظر نوعی، مشتمل بر انواع حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی هستند و جملات شرطی از نوع باز، بالاترین بسامد وقوع را دارند. بقایی و نغزگوی (۱۳۹۸) انواع کلمات ربط نشانگر مفهوم شرط را در فارسی نو مورد توجه قرار داده‌اند و بیان کرده‌اند که بین انواع حروف ربط شرط و جهان‌های ممکن شرط مشتمل بر حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی ارتباط وجود دارد.

مشخص است که می‌توان جملات شرطی را به لحاظ معنایی با توجه به معیارهای مختلف، در گروه‌های متفاوتی دسته‌بندی کرد؛ ضمن آنکه در برخی موارد تفاوت دسته‌بندی‌ها فقط به جهت نام‌گذاری‌های مختلف بر روی مفاهیم یکسان است. بر همین اساس در این پژوهش، تلاش می‌شود تا با توجه به نقاط اشتراک و اختلاف طبقه‌بندی‌های ذکر شده، دسته‌بندی جامعی از ساخت شرطی ارائه شود و همزمان با آن با توجه به داده‌های موجود در پیکره، مصادیق آن در زبان فارسی نو مورد بررسی قرار گیرد. لازم به توضیح است که این پژوهش، بخشی از یک پژوهش پیکره‌بنیاد دیگر (میرزائی، ۱۳۹۲) است. در آن پژوهش مفاهیم، در انبوهی از داده‌های طبیعی زبان مورد توجه قرار گرفته‌اند و در حین کار ساخت‌هایی مشاهده شده‌اند که در پیشینه مطالعات ساخت شرطی، قابل پیگیری نبوده‌اند. با این توضیح در ادامه، علاوه بر ساخت‌های شرطی موجود در پیشینه، دو ساخت شرطی تقابلی (بخش ۲-۳-۳) و شرطی تقابلی ضمنی (بخش ۲-۳-۴)

بر اساس میرزائی (۱۳۹۲) معرفی می‌شوند. همچنین دو ساخت شرطی دو سویه (بخش ۲-۱-۳) و معکوس (بخش ۲-۱-۲) در کنار دیگر ساخت‌های شرطی در داده‌های زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ۲. ساخت شرطی در زبان فارسی

در مقاله حاضر برای بررسی جملات شرطی زبان فارسی، از پیکره گزاره‌های معنایی زبان فارسی (Mirzaei & Moloodi: 2016) و داده‌های موجود در صفحات وب استفاده شده و برای دسته‌بندی معنایی جملات شرطی، دسته‌بندی کلی کرک و همکاران (1985) مورد استفاده قرار گرفته است (جدول ۱). به منظور ارائه دسته‌بندی جامع، علاوه بر الگوی کلی کرک و همکاران، انواعی از ساخت شرطی که در مدل آنها موجود نیست، بر اساس بررسی‌های پژوهشگران دیگر و نمونه‌هایی که نگارنده معرفی می‌کند، اضافه می‌شود. لازم به توضیح است که در تقسیم‌بندی ابتدایی ساخت شرطی که بر اساس وجود یا عدم وجود رابطه علی / نتیجه‌ای که میان بند مقدم و تالی صورت می‌گیرد، به دلیل شفافیت معنایی اصطلاحات مورد نظر دانسینگر و مایودو شسکا (1984)، از دو اصطلاح شرطی نتیجه‌ای و شرطی غیرنتیجه‌ای استفاده می‌شود. در اصطلاح‌شناسی کرک و همکاران به جای دو اصطلاح نتیجه‌ای و غیرنتیجه‌ای از دو عنوان مستقیم و غیرمستقیم استفاده شده است. پس از بررسی ساخت‌های شرطی مورد نظر در این نوشتار، تمام انواع جملات شرطی، به همراه نمونه‌های آن، در جدولی جداگانه (جدول ۳)، به صورت یکجا معرفی خواهند شد.



## ۱-۲. شرطی نتیجه‌ای

در جملات شرطی نتیجه‌ای، بند نتیجه (تالی) به بند شرط وابسته است و میان آنها رابطه علی/ نتیجه‌ای وجود دارد. این ساخت خود دارای پنج زیربخش تحت عناوین «شرطی بنیادی»، «شرطی معکوس»، «شرطی دوسویه»، «شرطی مفروض» و «شرطی لفظی» است. تفاوت سه ساخت اول، در جهت رابطه علی - معلولی است. در «شرطی بنیادی»، بند «اگر» علت گزاره مطرح در بند دوم است. در «شرطی معکوس»، بند دوم علت گزاره مطرح در بند «اگر» است و در ساخت سوم هر دو بند اول و دوم علت آن دیگری هستند.

### ۱-۱-۲. شرطی بنیادی

جملات شرطی بنیادی، شناخته‌ترین نوع از ساخت‌های شرطی هستند. در این ساخت، بند «اگر» که به «شرط یا مقدم» معروف است، «علت» و به تبع آن، بند دوم که با نام «تالی»، جواب شرط یا نتیجه» شناخته می‌شود، نتیجه و معلول آن است. به بیان دیگر در این ساخت شرطی، جهت رابطه علی — معلولی به‌نحوی است که بند شرطی، بند تالی را مشروط می‌کند. این ساخت خود به دو گروه «شرط نتیجه‌ای باز» و «شرط نتیجه‌ای فرضی» تقسیم می‌شود. لفظ «باز» در عنوان «شرطی نتیجه‌ای باز» به امکان محقق‌شدن گزاره مطرح در بند شرط اشاره می‌کند و لفظ «فرضی» به عدم امکان محقق‌شدن گزاره مطرح در بند مقدم و در نتیجه، بند تالی اشاره دارد (Quirk et al., 1985: 1091).

## ۲-۱-۱. شرطی نتیجه‌ای باز

در این نوع ساخت شرطی، اجرایی شدن بند شرط و در نتیجه، تالی آن همواره فراهم است. به بیان دیگر، بند شرط می‌تواند محقق شود یا نشود و چون میان بند شرط و تالی رابطه‌ی علی - معلولی یا سبب - نتیجه‌ای وجود دارد و صدق بند تالی در گرو بند شرط است، بند تالی هم می‌تواند محقق شود یا نشود. به این ترتیب، در این نوع ساخت شرطی، امکان اجرایی شدن بند شرط و به تبع آن بند تالی همواره وجود دارد. برای مثال، در جمله ۱ همواره این امکان هست که مخاطب «خوب زندگی کند» و در صورت تحقق این گزاره، این امکان نیز وجود دارد که «هر دیروز رویایی از خوشبختی باشد».

۱. اگر امروز را خوب زندگی کنی هر دیروزی، رویایی از خوشبختی است.
- زمان مطرح در ساخت شرطی «نتیجه‌ای باز» می‌تواند گذشته، حال یا آینده باشد.
۲. اگر در مهمانی شرکت کرده باشد، حتماً او را می‌شناسد. / شناخته است.
۳. اگر دارد در این دانشکده درس می‌خواند، او را به زودی ملاقات خواهیم کرد.
۴. اگر دانشجویان با انگیزه و برنامه‌ریزی دوره تحصیلی خود را شروع کنند، موفق خواهند بود.

بررسی پیشینه مطالعاتی مفهوم شرط نشان می‌دهد که برای «شرط نتیجه‌ای باز» می‌توان به لحاظ معنایی، تقسیم‌بندی‌های دیگری هم قائل شد. برای مثال «شرط معمول» و «شرط پیش‌بین» در تقسیم‌بندی‌های مورد نظر تامپسون و همکاران (2007: 256)، می‌توانند به عنوان زیربخش‌هایی از «شرط نتیجه‌ای باز» در نظر گرفته شوند.

الف - شرط معمول

«شرط معمول» این مفهوم را منتقل می‌کند که هر زمان، بند مقدم صادق باشد، بند تالی هم صادق است. به بیان دیگر در صورت صادق بودن بند شرط، یک روّیه و نتیجه همیشگی و ثابت حاکم می‌شود (Thompson et al., 2007: 255). در نمونه ۵ این قاعده مطرح است که همواره «اگر پا روی ترمز برود»، آنگاه باید به‌عنوان نتیجه «ماشین بایستد».

۵. اگر پایت را روی ترمز بگذاری ماشین می‌ایستد.

ب - شرط پیش‌بین

در «شرط پیش‌بین»، پیش‌بینی می‌کنیم که با رخ دادن بند مقدم، در بند تالی چه اتفاقی رخ خواهد داد (Thompson et al., 2007: 256). برای نمونه در مثال ۶ اینگونه مطرح می‌شود که اگر بند شرط صادق باشد (و دانشجویان با انگیزه و برنامه‌ریزی دوره تحصیلی خود را شروع کنند)، نتیجه آن، بند تالی خواهد بود و «دانشجویان موفق می‌شوند».

۶. اگر دانشجویان با انگیزه و برنامه‌ریزی دوره تحصیلی خود را شروع کنند، موفق خواهند بود.

۷. اگر در کنکور قبول بشود، جشن خواهیم گرفت.

## ۲-۱-۱-۲. شرطی نتیجه‌ای فرضی

در «شرطی نتیجه‌ای فرضی»، بند مقدم باور گوینده را در خصوص عدم امکان وقوع گزاره مطرح نشان می‌دهد؛ به دیگر سخن بند مقدم، باور گوینده است مبنی بر اینکه گزاره مطرح در این بند یا در گذشته انجام نشده و یا در آینده انجام نمی‌شود. در این نوع ساخت شرطی از آنجا که صدق بند تالی در گرو بند شرط

است، بند تالی هم محقق نمی‌شود (Quirk et al., 1985: 1091-1092). معنی ضمنی گزاره‌های مطرح در این ساخت شرطی، عدم اجرای شرط است. برای مثال در جمله ۸، این معنی به‌طور ضمنی مطرح است که گوینده «دیروز به سینما نرفته است».

۸. اگر دیروز می‌رفتم سینما دیگه به امتحانم نمی‌رسیدم.

در تقسیم‌بندی تامپسون و همکاران (2007: 255-256)، در زیربخش «شرط غیرواقعی»، بخشی به نام «شرط تخیلی» مطرح شده است که خود به دو دسته ممکن و ناممکن تقسیم می‌شود. این دو بخش را می‌توان در اینجا به‌عنوان زیربخش‌های «شرط نتیجه‌ای فرضی» معرفی کرد.

#### الف - شرط فرضی ممکن

در «شرط فرضی ممکن» بند شرط، شرایطی را توضیح می‌دهد که در گذشته اتفاق نیفتاده، اما اگر اتفاق می‌افتاد، بند تالی از عواقب آن می‌بود. نکته قابل توجه این است که مقدم اتفاق نیفتاده، اما به هر حال شرایط مطرح در آن، شرایط غیرممکنی نبوده و امکان وقوع آن کاملاً وجود داشته است؛ برای مثال، در جمله ۹، در بند مقدم گفته می‌شود که چنانچه «رفتن به سینما» (به عنوان گزاره مطرح در «بند اگر») رخ می‌داد، نتیجه آن این بود که گزاره بند تالی، یعنی «نرسیدن به امتحان»، صادق می‌شد. همانطور که مشخص است، هر یک از گزاره‌های مطرح در دو بند مقدم و تالی، گزاره‌های ممکن بوده‌اند، اما ساخت «شرط فرضی ممکن» مبتنی بر فرضی بودن شرایط است و این پیش‌فرض را مطرح می‌کند که طبق گزاره مطرح در بند اول، «من دیروز به سینما نرفته‌ام» و در نتیجه آن، مطابق با بند تالی «من به امتحان رسیده‌ام».

۹. اگر دیروز می‌رفتم سینما، دیگه به امتحانم نمی‌رسیدم.

۱۰. اگر علی را می‌دیدم، کتاب را به او تحویل می‌دادم.

ب - شرط فرضی ناممکن

در این حالت، بند شرط، موقعیت غیرممکنی را مطرح می‌کند و بند تالی تصریح می‌کند چنانچه بند شرط صادق باشد و آن امر ناممکن رخ دهد، چه اتفاقی می‌تواند صورت پذیرد. در جمله ۱۱، مخاطب می‌داند که وضعیت مطرح‌شده، وضعیتی فرضی است و «کتاب زبان ندارد» ولی اگر «زبان می‌داشت»، نتیجه آن این می‌شد که طبق بند تالی، «آن کتاب با او صحبت می‌کرد».

۱۱. اگر این کتاب زبان داشت باهاش دعوا می‌کرد.

## ۲-۱-۲. شرطی معکوس

همانطور که گفته شد دانسینگر و مایودوشسکا (1984: 122) ساخت شرطی را به دو گروه نتیجه‌ای و غیرنتیجه‌ای تقسیم می‌کنند. در شرط نتیجه‌ای، بند تالی نتیجه بند مقدم است، اما در شرط غیرنتیجه‌ای، یا رابطه‌ای بین بندها نیست یا اینکه برعکس شرط نتیجه‌ای، بند مقدم نتیجه بند دوم ساخت شرطی است. از آنجا که در بررسی داده‌بنیاد زبان فارسی، ساخت‌های شرطی‌ای مشاهده شدند که در آنها، بند اول نتیجه یا معلول گزاره مطرح در بند دوم است، در اینجا با الهام از دانسینگر و مایودوشسکا، نوع دیگری از جملات شرطی را تحت عنوان «شرطی معکوس» معرفی می‌کنیم. چون میان بندهای حاضر در جملات شرطی معکوس، رابطه علی/نتیجه‌ای وجود دارد، این ساخت را ذیل شرط نتیجه‌ای قرار داده‌ایم. مثال ۱۲ نمونه‌ای از جملات شرطی معکوس در زبان فارسی است.

۱۲. اگر علی صحبت می‌کند به این خاطر است که از او سؤال می‌پرسند.

در مثال ۱۲ دو گزاره «صحبت کردن» و «سؤال پرسیدن» مطرح شده‌اند. با آنکه «صحبت کردن» در بند «اگر» آمده، اما برخلاف شرطی‌های بنیادی، به جای اینکه دلیل و علت وقوع گزاره مطرح در بند دوم باشد، معلول آن شده است. در این جمله، «علی صحبت می‌کند» چون «از او سؤال می‌پرسند»، و این، یعنی بند «اگر» نتیجه وقوع گزاره مطرح در «بند دوم» است.

داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهند که در ساخت شرطی معکوس، حضور نشانه‌های شرط مانند «به خاطر این است که»، «برای این است که» و «یعنی» بر سر بند دوم، می‌تواند چنین رابطه‌ای را ایجاد کند (مثال‌های ۱۳-۱۵).

۱۳. اگر به فینال نرسیم یعنی کاری انجام نداده‌ایم.

۱۴. اگر فدراسیون کاری انجام می‌دهد به این خاطر است که کشتی پهلوانی از بین نرود.

۱۵. اگر امروز بطری آب معدنی داریم برای این است که من دیروز مقام برنامه‌ریز نبودم.

لازم به توضیح است که در بررسی داده‌های این پژوهش مشخص شد نشانه «یعنی» لزوماً در ساخت شرطی معکوس کاربرد ندارد و می‌تواند برای ساخت شرطی بنیادی نیز مورد استفاده قرار بگیرد و بر سر بند دوم حاضر شود. در این حالت، حضور «یعنی» به تغییر جهت رابطه علی/ نتیجه‌ای نمی‌انجامد. برای مثال در جمله ۱۶، بیان می‌شود که نتیجه «انسان‌شناسی» که در «بند اگر» آمده، «خداشناسی» است که در بند دوم مطرح می‌شود. به این ترتیب همانند دیگر شرطی‌های بنیادی، «بند اگر»، علت و بند دوم معلول یا نتیجه آن است.

۱۶. اگر انسان خود را بیابد یعنی خدا را پیدا کرده است.

علاوه بر این گاهی ادات شرط یا پیوندواژه «یعنی» در جملات به ظاهر شرطی‌ای حاضر می‌شود که نقش آن ایجاد برابری میان دو بند اول و دوم است، بدون آنکه یکی مقدمه یا نتیجه آن دیگری باشد. در جمله ۱۷، بند اول معادل و هم‌معنی بند دوم است و پیوندواژه «یعنی» به ایجاد چنین معنایی کمک می‌کند.

۱۷. اگر اتاق توپین باشد یعنی برای ۲ نفر سرویس پیش‌بینی شده است.

### ۲-۱-۳. شرطی دوسویه

در منطق، جملات شرطی‌ای وجود دارند که به آنها «ترکیب دوشرطی» یا «دو شرطی منطقی»<sup>۱</sup> می‌گویند. در این ساخت شرطی، که به صورت «اگر و تنها اگر p آنگاه q» و با نماد « $q \Leftrightarrow p$ » معرفی می‌شود، گزاره p، گزاره q را نتیجه می‌دهد و در مقابل گزاره q، گزاره p را نتیجه می‌دهد. در این جملات، یا در میان دو بند p و q، عبارت «اگر و تنها اگر» قرار می‌گیرد (مانند مثال ۱۸) و یا اینکه در ابتدای بند p «اگر» می‌آید و همزمان در انتهای بند q، عبارت «و بالعکس» قرار می‌گیرد (مانند مثال ۱۹).

۱۸. اضلاع یک مثلث با هم برابرند، اگر و تنها اگر زوایای مثلث ۶۰ درجه باشند.

۱۹. اگر اضلاع یک مثلث با هم برابر باشند، زوایای مثلث ۶۰ درجه هستند و بالعکس.

ترکیب دوشرطی ۱۸ و ۱۹ را می‌توان به شکل جملات ۲۰ بازنویسی کرد. گفته شد که در جملات شرطی نتیجه‌ای، میان بندهای حاضر در ساخت شرطی، رابطه علی - معلولی/ نتیجه‌ای وجود دارد. چنانچه «بند اگر» علت باشد و بند دوم

---

1. Logical biconditional

نتیجه، ساخت شرطی از نوع «بنیادی» است و اگر بند دوم علت باشد و بند «اگر» نتیجه آن باشد، ساخت شرطی از نوع «معکوس» خواهد بود.

در جملات الف و ب مثال ۲۰، هر یک از بندهای اول و دوم می‌توانند علت یا نتیجه آن دیگری باشد. بر همین اساس جملاتی از نوع ۲۰ را تحت‌عنوان «شرطی دوسویه» معرفی می‌کنیم و البته بدیهی است که دوشرطی منطقی هم نوعی شرطی دوسویه محسوب می‌شود.

۲۰. الف- اگر اضلاع یک مثلث با هم برابر باشند، زوایای مثلث ۶۰ درجه هستند.

ب- اگر اضلاع یک مثلث با هم برابر باشند، یعنی زوایای مثلث ۶۰ درجه‌اند.

شرط برابری که در بخش قبل معرفی شد، می‌تواند به عنوان یکی از زیربخش‌های جملات شرطی معکوس در نظر گرفته شود.

## ۲-۱-۴. شرطی مفروض

در شرط مفروض بند «اگر» بیانگر باور کسی به جز گوینده است (Bhatt & Pancheva, 2006; Von Fintle, 2011). گوینده ساخت شرطی، باور شنونده را مفروض در نظر می‌گیرد و بند تالی را به‌عنوان نتیجه آن باور مطرح می‌کند. با این تعریف، صدق گزاره مطرح در بند مقدم، از پیش‌انگاشته خواهد بود (Bhatt & Pancheva, 2006: 673) و آنچه در بند دوم مطرح می‌شود، نتیجه مفروض دانستن صدق گزاره مطرح در بند «اگر» است. در این حالت، خوانش جمله شرطی اینگونه می‌شود: با توجه به اینکه گزاره مطرح در «بند اگر» بر اساس باور شخصی به‌جز گوینده پذیرفته در نظر گرفته می‌شود و با توجه به آن گوینده آنرا مفروض می‌گیرد، پس گزاره مطرح در بند دوم موضوعیت دارد.



۲۱. اگر او اینقدر نادان است، پس تو نباید خودت را به خاطر او ناراحت کنی.

مثال ۲۱ نمونه‌ای از این ساخت است. در اینجا، گزاره مطرح در بند «اگر» بیان می‌دارد که «اگر فرض بگیریم طبق نظر شما، این درست باشد که او نادان است»، در آن صورت گزاره مطرح در بند دوم باید نتیجه «نادان فرض کردن او» باشد. بدین قرار در این مثال «نادان بودن او» مفروض است و در نتیجه، شنونده نباید «خودش را ناراحت کند».

## ۲-۱-۵. شرطی لفظی

اساس شکل‌گیری جملات شرطی لفظی، گزاره‌های بدیهی یا ناممکنی است که در بند مقدم و بند نتیجه مطرح می‌شوند. به این ترتیب، چنین ساخت‌های شرطی‌ای، با توجه به روابط منطقی که میان شرط - تالی برقرار است، شکل نمی‌گیرند، بلکه به نوعی شوخی زبانی محسوب می‌شوند و به همین دلیل، این ساخت تحت‌عنوان «شرط لفظی» معرفی می‌شود. جملات شرطی لفظی به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ در گروه اول که به آن شرط لفظی نتیجه‌محور می‌گوییم، گزاره‌ای نامعقول یا ناممکن در بند نتیجه مطرح می‌شود و بر همین اساس، گزاره مطرح در بند مقدم هم غیرممکن فرض می‌شود. نمونه‌های بسیاری از این نوع ساخت شرطی را می‌توان در داده‌های طبیعی زبان مشاهده کرد. در این نمونه‌ها، گوینده برای غیرممکن معرفی کردن گزاره مطرح در بند «اگر»، ادعایی عجیب یا ناممکن را در بند نتیجه، مطرح می‌کند (مثل اینکه من / اسمم را عوض می‌کنم / خانه‌ام را به نام شما می‌زنم و ...) مانند مثال ۲۲.

۲۲. اگر فرانسه برنده بازی باشد، من اسمم را عوض می‌کنم.

در شرط لفظی نوع دوم که آنرا شرط لفظی مقدم محور می‌گوییم، گزاره مطرح در بند «اگر» آنقدر بدیهی است که به اعتبار آن گزاره مطرح در بند نتیجه هم لزوماً درست فرض می‌شود. این جملات هم، در داده‌های طبیعی زبان زیاد مشاهده می‌شوند و گویشوران برای تأکید بر درستی گزاره‌های مختلف از این ابزار زبانی استفاده می‌کنند.

۲۳. اگر علی ساربونه، می‌دونه شتر رو کجا بخوابونه.

۲۴. اگر من صاحب گوسفندها هستم، که حلالیت کرده‌ام.

شاید شرطی لفظی نوع ۲ شبیه به «شرط مفروض» به نظر برسد، اما در «شرط مفروض»، گزاره مطرح در «بند اگر» باور شخصی به جز گوینده است. گوینده آن باور را مفروض می‌گیرد و بعد بر اساس آن می‌گوید با توجه به این پیش فرض، گزاره مطرح در بند دوم موضوعیت دارد. در شرطی لفظی مقدم محور، موضوعی بدیهی و یا واقعییتی مانند اینکه «اگر گردو گرد است، اگر ماست سفید است، اگر علی ساربان است، اگر من فلانی هستم» مطرح می‌شود و سپس به اعتبار درستی گزاره مطرح در بند «اگر»، بند دوم درست فرض می‌شود. به دیگر سخن، گزاره مطرح در بند اول این ساخت، باور مشترک گوینده و شنونده است.

## ۲-۲. شرطی غیرنتیجه‌ای

در ساخت «شرطی غیرنتیجه‌ای»، بین بند مقدم و تالی رابطه علی وجود ندارد و صدق بند دوم در ساخت شرطی، به صدق بند مقدم وابسته نیست. به بیان کِرک و همکاران (1985)، شرط غیرنتیجه‌ای، ساخت شرطی باز است که تعبیر آن به کارگفتی ضمنی وابسته است. آنها این مفهوم را به چهار بخش تقسیم می‌کنند

(Quirk et al., 1985: 1095-1096): الف- عبارات شرطی کلیشه‌شده‌ای که به‌عنوان ابزاری از شگردهای ادب کلامی، ادامه کلام گوینده را به اجازه شنونده وابسته می‌کند (مثل اگر راستش رو بخواهی، اگر به کسی نگی، اگر ناراحت نمی‌شی)؛ ب- بند شرطی که گوینده آنرا برای تأیید خودش از سمت شنونده مطرح می‌کند، چون یا از عبارت‌پردازی و درستی ساختار کلام خودش مطمئن نیست یا اینکه نگران است شنونده، با توجه به آن دچار سوء تفاهم شود، مثل اگر درست بگویم، اگر درست تلفظ بکنم)؛ ج- بندهای شرطی که گوینده از آنها استفاده می‌کند تا عدم اطمینان خود را از دانش غیرزبانی خودش یا شنونده برای تفسیر کلام نشان دهد (مانند این جمله: این دو دانشمند در نقطه مقابل هم هستند، البته اگر آنها را درست فهمیده باشم)؛ د- بندهای شرطی که در آنها شرایطی مطرح می‌شود که با توجه به آن می‌توان گزاره موجود در بند دوم را مطرح کرد، مانند اگر شانه را می‌خواهی داخل حمام است. به‌نظر می‌رسد که شرطی گروه اول این دسته‌بندی، همانند دیگر ساخت‌های شرطی، به نوعی رابطه علی/ نتیجه‌ای را صورت‌بندی می‌کند، اما با این تفاوت که در این موارد، بند دوم نتیجه تأیید و اجازه ضمنی مخاطب است. شرطی‌های بخش ب و ج هم همانند جملات معترضه‌ای هستند که ساختی را درون بند «اگر» توضیح می‌دهند و نهایتاً، بخش د نیز با توجه به نقطه‌نظرات بت و پانچوا (2006)، ذیل عنوان شرطی تناسب (کارگفتی) می‌تواند بررسی شود.

لازم به ذکر است که در این بخش از نوشتار حاضر، از عنوان غیرنتیجه‌ای به‌عنوان اصطلاحی پوششی برای ساخت‌های شرطی‌ای استفاده می‌شود که یا میان بند اول و دوم‌شان رابطه علی وجود ندارد، یا آنکه رابطه علی/ نتیجه‌ای وجود دارد، اما این رابطه میان یکی از بندهای حاضر در ساخت شرطی با معنای ضمنی

بند دیگر یا بخش محذوفی از جمله است. بر این اساس، این بخش در چهار زیربخش شامل شرط کارگفتی، شرط تضمینی، شرط تقابلی و شرط تقابلی ضمنی ارائه می‌شود.

## ۱-۲-۲. شرط کارگفتی

در شرط کارگفتی، شرایط مطرح در بند «اگر»، به صادق بودن بند پس از آن کمکی نمی‌کند، بلکه فقط باعث می‌شود که گزاره مطرح در بند دوم با گفتمان حاضر مرتبط باشد (Bhatt & Pancheva, 2006: 639, 672). در واقع، در این نوع ساخت شرطی که تعبیر آن به کارگفتی ضمنی وابسته است، بند «اگر» شرایطی را به دست می‌دهد که با توجه به آن می‌توان گزاره موجود در بند دوم را مطرح کرد (Quirk et al., 1985: 1095-1096). در این نوع ساخت، چون بند دوم معمولاً تصریح می‌شود، حضور عباراتی چون «آنگاه»، «پس» یا «در نتیجه» در ابتدای آن مجاز نیست (Bhatt & Pancheva, 2006: 664).

۲۵. اگر گرسنه هستی، خوراک روی اجاق است.

۲۶. اگر سردت شد، پتو توی کمد است.

مثال‌های ۲۵ و ۲۶ نمونه‌ای از ساخت شرطی کارگفتی هستند. همانطور که مشاهده می‌شود، در بند مقدم، شرایطی مطرح و در بند دوم، موقعیتی مرتبط با آن ذکر می‌شود، بدون آنکه نتیجه‌اش با شد یا رابطه علی بین آنها برقرار باشد. در مثال ۲۵ «وضعیت گر سنگی» مطرح شده است و این مسأله که «خوراک روی اجاق است»، نتیجه این وضعیت نیست، بلکه بند دوم در آن بافت قابل

طرح و مرتبط است؛ به بیان دیگر، حتی اگر مخاطب گرسنه نباشد، بازهم «خوراک روی اجاق است». از این مسأله می‌توان به‌عنوان آزمونی برای تشخیص این ساخت شرطی استفاده کرد. به این ترتیب، که اگر قطبیت بند مقدم تغییر کند و بر روی صدق بند تالی تأثیر نگذارد، ساخت شرطی از «نوع غیرنتیجه‌ای کارگفتی» خواهد بود.

ایبرت و همکاران (2008) در معرفی جملات شرطی کارگفتی، نظرات درُز و گرندی<sup>۱</sup> (1999) و زیگل<sup>۲</sup> (2006) را مورد بررسی قرار می‌دهند و سپس، نظر خود را با نقد نظرات قبلی مطرح می‌کنند. درُز و گرندی (1999) در بررسی شرط بیسکوئیت بیان می‌کنند که صدق بند تالی به بند مقدم وابسته نیست، بلکه گوینده تولید و خلق بند تالی را وابسته به صدق بند مقدم می‌داند؛ یعنی گوینده زمانی بند تالی را مطرح می‌کند که مقدم صادق باشد. زیگل (2006) با ذکر مثال زیر این ادعا را مورد تردید قرار می‌دهد و بیان می‌کند که در هنگام ساخت بند شرطی بیسکوئیت، ممکن است گوینده اصلاً حضور نداشته باشد که ببیند مقدم صادق است و سپس، بر اساس آن بخواهد بند تالی را ذکر کند. بر همین اساس، زیگل بیان می‌دارد که در مثال ۲۷، گوینده اظهار می‌دارد که در تمام جهان‌های ممکن که مقدم صادق است، برای بیان بند تالی امکان بالقوه وجود دارد.

۲۷. اگر کسی پرسید چندسال داری، تو زیر ۱۴ سال سن داری.

ایبرت و همکاران (2008: 133) با طرح مثال‌های ۲۸ و ۲۹ نظر زیگل را مورد نقد قرار می‌دهند و می‌گویند که اظهار گوینده و صدق بند مقدم در هر جهانی اساساً موضوع بحث نیست. در مثال ۲۸، گوینده بدون توجه به نظر مخاطب، پایان

1. K. DeRose, and R. Grandy

2. M. Siegel

فیلم را فاش می‌کند و در مثال ۲۹، اعلام ازدواج بدون توجه به اعلام آمادگی حاضران صورت می‌گیرد. به نظر آنها در شرط کارگفتی، مقدم شرایطی را به دست می‌دهد که تعیین می‌کند چه زمانی تالی می‌تواند با وضعیت موجود مرتبط باشد و لزوماً نیازی نیست که مقدم حتماً صادق باشد. به همین دلیل، آنها عنوان «تناسب» را نسبت به دیگر عنوان‌ها (کارگفتی و بیسکوئیت) مناسب‌تر می‌دانند.

۲۸. اگر نمی‌خواهی فیلم را نگاه کنی، باغبان قاتل است.

۲۹. اگر حاضران آماده باشند، من به این وسیله شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم.

## ۲-۲-۲. شرطی تضمینی

در شرطی تضمینی همانند مورد پیشین، بند دوم ساخت شرطی، نتیجه چیزی که در بند مقدم گفته می‌شود نیست. در این ساخت شرطی از کل رابطه، معنای ضمنی به دست می‌آید که دو بند حاضر در ساخت، آنرا القا می‌کنند (Miltsakaki et al., 2008: 284). برای مثال در نمونه زیر، اینکه «آژانس گرد شگری ما در خدمت است»، نتیجه منطقی «اگر می‌خواهید لحظات پرنشاطی را سپری کنید» نیست؛ بلکه کل رابطه به‌طور ضمنی این معنی را بیان می‌کند که «آژانس ما لحظات پرنشاطی را فراهم می‌کند». در مثال ۳۱ هم، این معنی منتقل می‌شود که «آکانر» سبب می‌شود نرخ جرم و جنایت بالا برود و این معنای ضمنی از کل رابطه حاصل می‌شود.

۳۰. اگر می‌خواهید لحظات پرنشاطی را سپری کنید، آژانس گردشگری ما در خدمت است.

۳۱. اگر می‌خواهید که نرخ جرم و جنایت را بالا ببرید، آکانر مرد شماس است (Miltsakaki

et al., 2008: 284).

### ۲-۲-۳. شرط تقابلی

در ساخت شرطی تقابلی، میان بند «اگر» و بند دوم، رابطه‌ی علی — معلولی برقرار نمی‌شود، صدق هیچ‌یک از بندها به دیگری وابسته نیست و به‌لحاظ معنایی هیچ‌کدام بر آن دیگری مقدم نمی‌شود و آن دیگری را مشروط یا محدود نمی‌کند. در این ساخت، گزاره‌ی مطرح در بند نخست، و وضعیت را تشریح می‌کند و در بند دوم، وضعیت متضاد یا در تقابل با آن ذکر می‌گردد. در این حالت، دو امکان وجود دارد: یکی اینکه دو گزاره‌ی مطرح در بند «اگر» و بند دوم، تنها در یک بخش با هم در تقابل باشند و دوم اینکه کلیت هر دو گزاره در تقابل با هم قرار گیرند.

در «شرطی تقابلی»، همانند جملاتی که میان بندهای آنها رابطه‌ی تضاد و تقابل وجود دارد، بین دو بند اول و دوم می‌توان از پیوندهای «درعوض»، «درمقابل»، «ولی»، «اما» و مانند آن استفاده کرد. پیوندهای «ولی» و «اما» می‌توانند به تنهایی یا همراه با پیوندهای «درعوض» و «درمقابل» ظاهر شوند. امکان درج پیوندهای ذکرشده خود می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای ایجاد تمایز میان این نوع ساخت شرطی و انواع دیگر آن باشد.

به‌عنوان نمونه‌ای از جملات شرطی تقابلی می‌توان به مثال‌های ۳۲ و ۳۳ توجه کرد. در مثال ۳۲ دو وضعیت در دو بند «اگر» و بند دوم مطرح شده‌اند که در یک چیز از هم متفاوتند. در این مثال «از نظر جنگ» که در بند اول آمده، در تقابل با «از نظر فرهنگی» که در بند دوم است، قرار گرفته است و بقیه‌ی بخش‌های این دو بند مشابه به هم هستند.

۳۲. شاعر یونانی بود که اعتقاد داشت اگر رومیان از نظر جنگ کشورگشایی کردند، یونان از نظر فرهنگی کشورگشایی کرده است.

۳۳. اگر دانشجویان رشته مکانیک گرایش دریا ارتعاشات را بطور عام در رشته مکانیک می‌خوانند، دانشجویان مهندسی کشتی‌سازی ارتعاشات در کشتی را مطالعه می‌کنند.

در مثال ۳۳ رابطه هیچ یک از بندهای اول و دوم نتیجه آن دیگری نیست و کارکرد اصلی این ساخت این است که وضعیت‌های مطرح شده در دو بند را با هم مقایسه کند.

#### ۲-۲-۴. شرط تقابل ضمنی

گاهی در ساخت به‌ظاهر شرطی، شرایط مطرح در بند دوم، نه با معنای صریح خود بند، بلکه با استنباطی که از بند اول داریم، در تقابل قرار می‌گیرد. در این حالت، نمی‌توان دو چیز مشخص و آشکار در دو بند موجود در ساخت را معرفی کرد که رابطه تضاد بین آنها برقرار شده باشد. برای مثال، در جمله ۳۴ در بند اول، عنوان می‌شود که «فیلم داستان ندارد» و این معنای ضمنی را القا می‌کند که احتمالاً این فیلم در جلب نظر مخاطب موفق نیست و مخاطب آنرا پسند نخواهد کرد. پس از طرح چنین انتظاری، در بند دوم مطرح می‌شود که «توجه به جزئیات در فیلم، باعث جلب توجه تماشاگر شده» و این، با انتظار پیش‌آمده از بند اول، در تضاد و تقابل است.

۳۴. اگر فیلم داستانی ندارد که برای ما روایت کند اما به جزییاتی توجه می‌کند که هر یک

به تنهایی این امکان را فراهم می‌کنند تا ما در مقام تماشاگر به فیلم توجه کنیم ...

۳۵. الف- اگر زیبا بازی نکردیم، اما خوب دفاع کردیم و بردیم.

ب- اگرچه زیبا بازی نکردیم، اما ... بردیم.

در جملات شرطی مورداشاره می‌توان پیونده «اگرچه» را جایگزین «اگر» کرد (مثال ۳۵). این امکان جابجایی، خود دلیل دیگری است برای اینکه میان دو بند



موجود در این ساخت، رابطه تضاد از نوع خلاف انتظار وجود دارد. همچنین این امکان جایگزینی می‌تواند به عنوان آزمونی برای تشخیص «شرط تقابلی» از «شرط تقابلی ضمنی» باشد؛ چون جایگزین کردن «اگرچه» بجای «اگر» در جملات شرطی تقابلی، جمله را نادرستی می‌کند (مانند بخش ب در مثال ۳۶).

۳۶. الف - اگر تو دو بار این مطلب را خوانده‌ای، من آنرا صدها بار در ذهنم مرور کرده‌ام.  
ب - \* اگرچه تو دو بار این مطلب را خوانده‌ای، من آنرا صدها بار در ذهنم مرور کرده‌ام.

لازم به توضیح است که تفاوت ساخت «شرط تضمینی» و «شرط تقابلی ضمنی» در نوع معنای ضمنی‌ای است که مورد توجه قرار می‌دهند. در «شرط تضمینی» از کل ساخت شرطی، معنای ضمنی‌ای به دست می‌آید که اساساً به دلیل وجود همان معنای ضمنی، چنین ساختی طرح‌ریزی می‌شود، اما در شرط تقابلی ضمنی، نوع رابطه میان بندها از نوع تضادی است که میان معنای ضمنی «بند اگر» و بند دوم ایجاد می‌شود.

### ۳. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا بر اساس پیشینه مطالعات مفهوم شرط و داده‌های زبان فارسی، دسته‌بندی معنایی جامعی از انواع ساخت‌های شرطی ارائه شود. برای ارائه تصویری شفاف از دسته‌بندی معنایی ساخت‌های شرطی، خلاصه‌ای از آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت در جدول ۳ به دست داده شده است. بر این اساس در یک طبقه‌بندی کلی، جملات شرطی به دو دسته «نتیجه‌ای» و «غیرنتیجه‌ای» تقسیم شدند. منظور از «نتیجه‌ای»، ساخت‌های شرطی هستند که میان دو بند اول و دوم آن رابطه علی / نتیجه‌ای وجود دارد. این گروه شامل پنج زیربخش «بنیادی»، «معکوس»، «دوسویه»، «مفروض» و «لفظی» است.

## جدول (۳): انواع ساخت‌های شرطی و شرط‌گونه در زبان فارسی (دسته‌بندی معنایی)

بنیادی	بنیادی	باز	معمول	اگر پایت را روی ترمز بگذاری، ماشین می‌ایستد.
		فرضی	پیش‌بین	اگر ساعت ۱۰ حرکت کرده باشد، دیگر تا الان رسیده است.
			ممکن	اگر دیروز می‌رفتم سینما، دیگه به امتحانم نمی‌رسیدم.
	معکوس	ناممکن	اگر این کتاب زبان داشت باهات دعوا می‌کرد.	
		اگر می‌بینید علی صحبت می‌کند به این خاطر است که از او سؤال می‌پرسند.		
		اگر اضلاع یک مثلث با هم برابر باشند، زوایای مثلث ۶۰ درجه هستند.		
		اگر او اینقدر نادان است، پس تو نباید خودت را به خاطر او ناراحت کنی.		
	لفظی	نتیجه‌محور	اگر او توانسته باشد اینکار را انجام دهد، من اسمم را عوض می‌کنم.	
		مقدم‌محور	اگر من صاحب گوسفندها هستم، که حلال کرده‌ام.	
	زیربنیادی	کارگفتی		اگر گرسنه هستی، خوراک روی اجاق است.
تضمنی		اگر می‌خواهید نرخ جنایت را بالا ببرید، اکانر مرد شماست.		
تقابلی		اگر این درس برای شما اختیاری است، برای ما اجباری است.		
تقابلی ضمنی		اگر زیبا بازی نکردیم، اما ... بردیم.		

در پنج زیربخش معرفی شده، نشانه شرط یا پیونده «اگر» می‌تواند بر سر بند اول قرار گیرد، اما در خصوص پیونده بند دوم، شرطی‌های «بنیادی»، «دوسویه»، «مفروض» و «لفظی» می‌توانند با پیونده‌هایی چون «پس»، «آنگاه»، «در نتیجه» و مانند آن همراه شوند، ولی در شرطی معکوس پیونده‌های «یعنی»، «به‌خاطر اینکه»، «برای این است که» و مانند آن بر سر بند دوم ظاهر می‌شوند.

در این پژوهش عنوان شرطی «غیرنتیجه‌ای» به ساخت‌هایی تعلق گرفت که میان دو بند آنها، رابطه علی / نتیجه‌ای وجود ندارد. شرط کارگفتی، تضمینی، تقابلی و تقابلی ضمنی، زیربخش‌های این گروه به شمار می‌روند. در این موارد، بند اول به بیان شرایط و یا تشریح یک وضعیت اشاره می‌کند و اساساً موضوع این ساخت، مشروط کردن بند دوم و یا بیان علت یا دلیلی برای وقوع بند دوم نیست.

بدین قرار بررسی داده‌بنیاد مفهوم شرط در زبان فارسی نشان داد که جملات با ظاهر ساخت شرطی، می‌توانند به لحاظ نوعی در دو گروه کلی نتیجه‌ای و غیرنتیجه‌ای و در یکی از زیربخش‌های دهگانه آن شامل «بنیادی، معکوس، دوسویه، مفروض، نتیجه‌محور، مقدم‌محور، کارگفتی، تضمینی، تقابلی، تقابلی ضمنی» قرار بگیرد و بر اساس آن، از هم متفاوت در نظر گرفته شوند.

## منابع

- ابن الرسول، سیدمحمد رضا، سمیه کاظمی نجف‌آبادی، مهری کاظمی (۱۳۹۵). «رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی». *ادب فارسی*. ۱/۶: ۹۳-۱۱۲.
- بقایی، سیده عاطفه و مهرداد نغزگوی کهن. (۱۳۹۷). «جهان‌های ممکن ساخت‌های شرطی در زبان فارسی معاصر». *جستارهای زبانی*. زیر چاپ.
- بقایی، سیده عاطفه و مهرداد نغزگوی کهن. (۱۳۹۸). «کلمات ربط شرطی در زبان فارسی نو». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. ۱۸/۹: ۹۳-۱۱۲.
- میرزائی، آزاده. (۱۳۹۲). *ساخت اطلاع در بندهای مرکب زبان فارسی*. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی.
- Austin, J. L. (1961). "Ifs and Cans". In J. O. Urmson & G. J. Warnock (eds). *Philosophical Papers*. Oxford: University Press. 153-180.

- Bhatt, R., & R. Pancheva. (2006). "Conditionals". In H. van Riemsdijk and M. Everaert (eds). *The Blackwell companion to syntax*. United States: Blackwell Publishing. 638-687.
- Dancygier, B. & E. Mioduszewska. (1984). "Semanto-pragmatic classification of conditionals". *Studia Anglica Posnaniensia*. XVII: 121-133.
- DeRose, K. & R. E. Grandy. (1999). "Conditional Assertion and Biscuit Conditionals". *Noûs* 33(3): 405-420.
- Declerck, R. & S. Reed, (2001). *Conditionals: A comprehensive Empirical Analysis*. New York: Mouton de Gruyter.
- Ebert, C., C. Endriss & S. Hinterwimmer. (2008). "Topics as speech acts: An analysis of conditionals". In N. Abner & J. Bishop (eds). *Proceedings of the 27th West Coast Conference on Formal Linguistics*. Somerville, MA: Cascadilla Proceeding Project. 132-140.
- Elder, C. H. & K. M. Jaszczolt, (2016). "Towards a pragmatic category of conditionals". *Journal of Pragmatics*. 98: 36-53
- Haegeman, L. (2003). "Conditional clauses: External and internal syntax". *Mind and Language*. 18(4): 317-339. doi:10.1111/1468-0017.00230.
- Miltsakaki, E., L. Robaldo, A. Lee, & A. Joshi. (2008). "Sense Annotation in the Penn Discourse Treebank". In A. Gelbukh. *International Conference on Intelligent Text Processing and Computational Linguistics*. Springer, Berlin, Heidelberg. 275-286.
- Mirzaei, A. & A. Moloodi. (2016). "Persian proposition Bank". In N. Calzolari et al. *Proceedings of the 11th International Language Resources and Evaluation*. Portorož (Slovenia), May. 3828-3835.
- Quirk, R., S. Greenbaum, G. Leech & J. Svartvik, (1985). *A Comprehensive Grammar of the English Language*. London, New York: Longman.
- Siegel, M. (2006). "Biscuit Conditionals: Quantification over Potential Literal Acts". *Linguistics and Philosophy*. 29(2): 167-203.
- Thompson, S. A., R. E. Longacre, & S. J. J. Hwang. (2007). "Adverbial clauses". In Shopan, T. (ed). *Language typology and syntactic description*. Vol. 2. Cambridge: University Press. 237-300.
- Von Fintel, K. (2011). "Conditionals". In K. von Heusinger, C. Maienborn & P. Portner (eds). *Semantics: An international handbook of meaning*, vol. 2 (Handbücher zur Sprach- und Kommunikationswissenschaft 33.2). Berlin / Boston: de Gruyter Mouton. 1515-1538.